شناسهٔ دیجیتال (DOI): 10.22106/JLJ.2021.141589.3835

مجله حقوقی دادگستری

مقالهٔ پژوهشی، دورهٔ ۸۵، شمارهٔ ۱۱۶، زمستان ۱۴۰۰، صفحات ۱۳۱ تا ۱۵۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

مراجع صالح به رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان با تأکید بر جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک

امین فلاح*، حسن حاجی‌تبار فیروزجائی**

چکیده

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در غیر از جرایمی که در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است، تحقیقات مقدماتی جرایم افراد کمتر از ۱۵ سال را در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان و تحقیقات مقدماتی جرایم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی، به‌جز جرایم منافی عفت و جرایم تعزیری درجهٔ ۷ و ۸ ایشان را در صلاحیت شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان با عنوان دادسرای ویژهٔ نوجوانان دانسته است. لیکن، به دلالت مادهٔ ۳۱۵ این قانون جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود، اگر توسط افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی ارتکاب یابد، در دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان رسیدگی می‌شود. اما این قانون از حیث مراجع صالح انجام تحقیقات مقدماتی و محاکمه راجع به جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ ارتکابی توسط افراد نابالغ و بالغ کمتر از ۱۵ سال دارای ابهام است که نگارندگان، در این نوشتار با تکیه بر موازین قانونی و اصول کلی حقوق جزا به این نتیجه رسیدند که در مورد افراد زیر پانزده سال چنانچه فرد نابالغ باشد، انجام تحقیقات مقدماتی و محاکمه نسبت به جرایم عمومی یا انقلاب مشمول مادهٔ ۳۰۲ این قانون توسط دادگاه اطفال و نوجوانان انجام می‌گیرد، ولی اگر فرد مرتکب بالغ زیر ۱۵ سال باشد، مرجع انجام تحقیقات مقدماتی و محاکمه، دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان است.

واژگان کلیدی: طفل، نوجوان، جرایم، صلاحیت، دادسرا، دادگاه

* قاضی دادگستری، دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد ساری)، ساری، ایران fallahamin@yahoo.com

** استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد قائم‌شهر)، قائم‌شهر، ایران (نویسندهٔ مسئول) hajitabar@yahoo.com

مقدمه

از نیمهٔ دوم قرن بیستم میلادی به بعد، یکی از دغدغه‌های جدی سیاست‌گذاران بین‌المللی و داخلی، لزوم اختصاصی و یا تخصصی کردن برخی از مراجع و تشکیلات قضایی و ترتیبات دادرسی حاکم بر آن‌ها به‌جهت رعایت برخی مصالح و ضرورت‌های اجتماعی و فردی بوده است. از جمله ضرورت ایجاد تشکیلات قضایی و دادرسی به‌صورت اختصاصی و یا تخصصی، مسئله مراجع صالح به رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان و دادرسی حاکم بر آن‌ها است که در قانون‌گذاری ایران نیز این موضوع در حدود نیم قرن اخیر به‌ویژه در دههٔ اخیر مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. قانون‌گذار ایران با اتخاذ یک رویکرد افتراقی در قلمرو رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بزهکار، مبادرت به تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی نموده است که در این قانون شاهد تحولات و نوآوری‌های زیادی از حیث پیش‌بینی مراجع اختصاصی یا تخصصی، مقامات دخیل در امر تحقیق و دادرسی و شرایط و ویژگی‌های آنان، نحوه و چگونگی و ترتیب انجام تحقیقات مقدماتی و دادرسی در تثبیت دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان بزهکار هستیم. اما با وجود این، برخی ابهام، اجمال و سکوت قانونی در این‌باره از جمله در خصوص تعیین صلاحیت مراجع ذی‌صلاح جهت انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان به‌ویژه جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری عبارتند از: الف) مرجع صالح انجام تحقیقات مقدماتی جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ارتکابی توسط افراد بالغ زیر ۱۵ سال، ب) مرجع صالح رسیدگی به جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ارتکابی توسط افراد نابالغ زیر ۱۵ سال[1] وجود دارد که باعث ایجاد سردرگمی و اختلاف سلیقه در رویهٔ قضایی نیز شده است.

در این نوشتار با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با هدف ارائهٔ یک تفسیر منطقی و غایی در پاسخ به ابهامات پیرامون موضوع و به‌منظور ایجاد وحدت‌رویهٔ قضایی در تشخیص مرجع صالح، به بیان تعریف طفل و نوجوان، انواع مراجع ذی‌صلاح در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان و ماهیت آن‌ها، قاعدهٔ کلی دربارهٔ صلاحیت مراجع رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و

۱. لازم به ذکر است که افراد نابالغ علی‌القاعده کمتر از ۱۵ سال سن دارند. چون در مناطق سردسیر ممکن است پسری ۱۴ سال تمام شمسی داشته باشد و وارد ۱۵ سالگی شمسی هم شده باشد ولی نابالغ باشد و اینکه ۱۵ سال تمام قمری هم برابر با ۱۴ سال تمام شمسی به‌علاوه ۷ ماه شمسی می‌شود. یعنی ۵ ماه کمتر از ۱۵ سال تمام شمسی است. لذا افراد نابالغ علی‌الاصول کمتر از ۱۵ سال محسوب می‌شوند.

استثنائات آن، و تعیین مرجع ذی‌صلاح جهت انجام تحقیقات مقدماتی جرایم عمومی یا انقلاب مشمول مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ارتکابی توسط افراد بالغ زیر ۱۵ سال و نیز تعیین مرجع صالح رسیدگی به جرایم عمومی یا انقلاب مشمول مادهٔ ۳۰۲ این قانون ارتکابی توسط افراد نابالغ زیر ۱۵ سال و همچنین، جرایم ارتکابی در حوزهٔ قضایی بخش، می‌پردازیم.

۱. تعریف طفل و نوجوان در قوانین جزایی ایران

در خصوص کلمهٔ طفل در لغت‌نامه‌های فارسی معانی متفاوت و مشابه بیان گردیده است. البته در زبان فارسی به‌جای این طفل، کلماتی مانند صغیر، کودک، خردسال، نابالغ و بچه نیز به کار می‌رود. لازم به ذکر است در فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران کلمهٔ طفل با واژه‌هایی مثل نابالغ، صغیر و کودک بیان شده است و این واژه‌ها با کلمهٔ طفل مشابه و دارای وجه اشتراک بوده و گاه در معنای طفل به کار برده شده است. طفل در لغت به معنای: بچه، کودک، نوزاد، پسر یا دختر خردسال، فرزندی که به حد بلوغ نرسیده بیان شده و جمع آن اطفال است (معین، ۱۳۸۶: ۱۸۳۱) و نیز بیان شده است که طفل اسم عربی، کوچک از هر چیز، کودک، بچه، نوزاد، بچه کوچک انسان و جمع آن‌ها اطفال می‌باشد (عمید، ۱۳۷۸: ۶۷۲). لذا با توجه به مراتب فوق‌الذکر می‌توان گفت که طفل از نظر لغوی به معنای عرفی آن یعنی صغیر، خردسال و کودک می‌باشد.

اصطلاح حقوقی، «طفل» به کسی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده و کبیر نشده است (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۸۱: ۲۰۴ و جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۴۰۶ و ۴۳۰). در اصطلاح فقهی نیز طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است: الصغیر هوالذی لم یبلغ حدالبلوغ محجور علیه شرعاً لا تنفذ تصرفاته فی امواله (خمینی، ۱۳۸۳: ۲۰).

در حقوق جزای موضوعهٔ ایران، بر اساس صراحت تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲با اصلاحات بعدی، «طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است». بنابراین افراد نابالغ، طفل محسوب و فاقد مسئولیت کیفری هستند. سن بلوغ، به‌تفکیک جنس در دختران و پسران به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است (مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). لذا می‌توان گفت در این تعریف قانون‌گذار به حد بلوغ شرعی اشاره نموده است بدون اینکه مفهوم و معیار تشخیص آن را بیان نماید که مستلزم شناخت مفهوم بلوغ است که از موضوعات چالش‌برانگیز در دادرسی جرایم اطفال و نوجوانان بزهکار است چراکه روشن شدن این مفاهیم در نوع مرجع رسیدگی‌کننده، مؤثر خواهد بود. در منابع فقهی تعریف خاصی از بلوغ بیان نشده و فقط به بیان شرایط و نشانه‌هایی بیان شده که مطابق نظر مشهور فقهای امامیه عبارتند از: روییدن موی خشن روی عانه (چه در مرد و چه در زن)، خروج منی از مرد و زن، داشتن ۹ سال تمام قمری در دختران و

۱۵ سال تمام قمری در پسران (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶: ۱۵).

در تعریف بلوغ بیان شده است: «بلوغ مصدری است از ریشهٔ بلغ یعنی رسیدن، کمال نمو تمام و منظور کنایه از رسیدن کودک به رشد قوای جنسی است و بالغ کسی است که قدرت به مباشرت با جنس مخالف خود را داشته باشد» (اردبیلی، ۲/۱۳۹۳: ۱۹۶). گفته شده است که معنی اصطلاحی بلوغ، همان بلوغ جنسی است که از آن به‌عنوان سن نکاح یا سن احتلام نام می‌برند (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶: ۱۵). لذا بنا به مراتب فوق‌الاشعار می‌توان گفت در اصطلاح فقهی و حقوقی، بلوغ رسیدن به پایان دورهٔ طفولیت و آغاز دورهٔ مسئولیت و تکلیف است.

اگرچه قانون‌گذار ایران واژهٔ «نوجوان» را در کنار واژهٔ «طفل» در قوانین جزایی ازجمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به کار برده است لیکن این دو واژه از همدیگر متفاوت می‌باشند. قانون‌گذار تعریفی از واژهٔ «نوجوان» بیان ننموده است؛ اما با توجه به تعریف طفل در قوانین به شرح فوق‌الذکر، می‌توان گفت تا زمانی که شخص به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد، طفل محسوب می‌شود و نوجوانی با پدیده‌ای به نام «بلوغ» شروع می‌شود. به عبارت دیگر، در حقوق جزای ایران نوجوانی دوره‌ای بین طفولیت و بزرگ‌سالی است که با توجه مواد قانونی فوق‌الذکر و نیز مواد ۸۸، ۸۹ و ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شروع آن از دورهٔ بلوغ (سن نه و پانزده سال تمام قمری به ترتیب نسبت به دختران و پسران) و پایان آن سن ۱۸ سال تمام شمسی در دختران و پسران است. بنابراین بر اساس حقوق جزای ایران، نوجوان به دختر و پسر بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، دختر بین ۹ سال تمام قمری تا ۱۸ سال تمام شمسی و پسر بین ۱۵ سال تمام قمری تا ۱۸ سال تمام شمسی اصولاً نوجوان محسوب می‌شود مگر اینکه از طریقی ازجمله آزمایشگاه‌های پزشکی توسط پزشکی قانونی ثابت شود که به‌رغم رسیدن به سن بلوغ، به حد بلوغ نرسیده است. به عبارت دیگر، سن به‌عنوان امارهٔ بلوغ است نه به‌عنوان دلیل قطعی بلوغ. زیرا اولاً قانون‌گذار هرچند صراحتاً در این خصوص اظهارنظر ننموده لیکن در تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی بلوغ را ملاک و مبنا در نظر گرفته و اشاره به حد بلوغ شرعی نموده و از سویی دیگر در مادهٔ ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بالغ بودن شخص مرتکب را حین ارتکاب جرم از شرایط تحقق مسئولیت کیفری دانسته که نشان از پذیرش این دیدگاه از سوی قانون‌گذار است. به‌ویژه اینکه مؤخر بودن قانون آیین دادرسی کیفری نسبت به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قرینه‌ای است برای بالغ دانستن مرتکب که باید به شرع مراجعه نمود. همچنین، در مادهٔ ۱۴۶ نیز افراد نابالغ را مبری از مسئولیت کیفری دانسته است و اشارهٔ قانون‌گذار در مادهٔ ۱۴۷ به یک علامت بلوغ، نافی وجود سایر علامت

بلوغ نیست (الهام و برهانی، ۱۳۹۴: ۲۵۳). چراکه مفهوم بلوغ در قانون تعریف نشده است، ناگزیر با مراجعه به آراء فقهی در آغاز باید دید بلوغ به چه معنی است و بالغ چه کسی را می‌گویند تا معنی نابالغ در قانون مجازات اسلامی مترادف طفل به‌کاررفته روشن شود چراکه افزون بر نشانه‌های طبیعی، سن به‌عنوان معیاری قراردادی امارهٔ بلوغ شناخته شده است (اردبیلی، ۲/۱۳۹۳: ۱۹۵ و ۱۹۶). ثانیاً، هرچند قانون‌گذار در مادهٔ ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، سن بلوغ را مشخص نموده لیکن این تعیین سن، حد سن بلوغ است و موضوعیت ندارد که نظریهٔ ادارهٔ حقوقی به شمارهٔ ۱۵۱۳/۷ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۶ مؤید این استدلال است.[۱] از سویی قانون‌گذار هرچند در مادهٔ ۱۴۷ نسبت به تعیین سن بلوغ اقدام نموده است، لیکن در مادهٔ ۳۰۸ قانون‌گذار تردید در بلوغ را پذیرفته لذا باید مادهٔ ۱۴۷ را در کنار مادهٔ ۳۰۸ مدنظر قرار داد و مفاد آن را تفسیر نمود و اگر تنها معیار در تشخیص بلوغ سن تعیینی از سوی مقنن مدنظر مقنن بود، اساساً امکان ایجاد و حدوث تردید مطرح نمی‌گردید و حکم مندرج در قسمت نخست مادهٔ ۳۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مورد اتفاق فقها است (مصدق، ۱۳۹۷: ۱۵۵). بنابراین، به کار بردن اصطلاح بلوغ شرعی و یا بلوغ از سوی قانون‌گذار نشان از رویکرد مقنن در پذیرش این دیدگاه دارد و با توجه به مواد ۳۰۴ و ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصرهٔ مادهٔ ۳۱۵ و تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۳۱۴ آن قانون، صرف سن شناسنامه‌ای نمی‌تواند بلوغ یا عدم بلوغ و سن واقعی را به‌طور مطلق اثبات کند و مستلزم احراز بلوغ یا عدم بلوغ است.

۲. مراجع خاص و ویژهٔ رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان

هرچند ممکن است این امر به ذهن متبادر شود که از یک‌سو، تشکیل مراجع رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بزهکار مخالف با اصل تساوی افراد در برابر قانون باشد و از سوی دیگر اینکه اطفال مبری از مسئولیت کیفری هستند اما این بدان معنا نیست که نتوان هیچ واکنش اجتماعی را در قبال رفتار مجرمانهٔ ارتکابی از سوی این اشخاص تعیین و اعمال کرد بلکه آنچه باید به آن توجه داشت این است که در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بزهکار باید یک نظام دادرسی با رویکرد افتراقی در جهت اصلاح، حمایت و بازاجتماعی کردن آنان حاکم باشد که این

۱. نظریهٔ شمارهٔ ۱۵۱۳/۷ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۶ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: «با توجه به فتاوی معتبر فقهای اسلامی، خصوصاً نظر حضرت امام(ره) در تحریرالوسیله روییدن موی زهار از امارات بلوغ است و کسی که این امار در او دیده شود بالغ است هرچند به سن ۱۵ سال نرسیده باشد زیرا سن در امر بلوغ موضوعیت ندارد و آن هم از امارات است» (ایرانی ارباطی، ۱۳۸۴: ۴۱۲).

امر یعنی ایجاد و برقراری یک نظام دادرسی با رویکرد افتراقی در جهت حفظ منافع و مصالح این اشخاص مستلزم ایجاد ساختار، تشکیلات و مراجع قضایی خاص در رسیدگی به جرایم این اشخاص می‌باشد.

به همین دلیل، یکی از مؤلفه‌های دادرسی اطفال و نوجوانان، ایجاد تشکیلات ویژه از جمله دادگاه اختصاصی برای رسیدگی به جرایم این افراد است که در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها بر ایجاد آن تصریح شده است (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۹۸). در اسناد بین‌المللی از جمله بند ۳ مادهٔ ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک بر این امر تأکید و بیان گردیده است که کشورهای عضو در جهت افزایش وضع قوانین، مقررات، مقامات و مؤسساتی که خصوصاً مربوط به کودکان متهم یا مجرم به نقض قانون کیفری تلاش خواهند کرد (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۹۹ و معاونت حقوقی قوهٔ قضائیه، ۱۳۹۷: ۴۷). همچنین، به‌موجب بند «د» مادهٔ ۱۴ راهنمای عمل دربارهٔ کودکان در نظام عدالت کیفری (رهنمودهای وین) مقرر شده است: دولت باید دادگاه نوجوانان با صلاحیت اولیه دربارهٔ نوجوانان مرتکب اعمال جزایی ایجاد نموده و آیین دادرسی خاصی تدوین نماید که نیازهای کودکان در آن لحاظ گردد (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۹۹ و معاونت حقوقی قوهٔ قضائیه، ۱۳۹۷: ۲۸۵).

قانون‌گذار ایران نیز در آخرین ارادهٔ خود در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی نسبت به پیش‌بینی دادسرای ویژهٔ نوجوانان (مادهٔ ۲۸۵)، دادگاه اطفال و نوجوانان (مادهٔ ۲۹۸)، دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان (مادهٔ ۳۱۵)، دادگاه تجدیدنظر ویژهٔ جرایم اطفال و نوجوانان (مادهٔ ۴۴۴) اقدام نموده است. به عبارت دیگر، قانون‌گذار ایران در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی با توجه به نوع جرم و میزان مجازات آن و نیز سن مرتکب جرم، مراجع خاص و ویژه‌ای را در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بزهکار پیش‌بینی نمود که برخی از آن‌ها در نظام حقوقی ایران فاقد سابقه هستند که ذیلاً به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۲. دادسرای ویژه نوجوانان

مادهٔ ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مقرر می‌دارد: «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب با عنوان دادسرای ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرایم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال به جزء جرایم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) این قانون که به‌طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادسرا به عمل می‌آید.»

تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۲۸۵ مقرر می‌دارد: «تحقیقات مقدماتی جرایم افراد زیر ۱۵سال به‌طور مستقیم

در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است انجام می‌دهد...».

از این مقرره قانونی چنین استنباط می‌شود که دادسرای ویژه نوجوانان، مرجعی ویژه، با تشکیلات و ساختار تخصصی محسوب می‌شود که برای انجام تحقیقات مقدماتی جرایم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال، به جز جرایم موضوع مواد ۳۰۶ (جرایم منافی عفت)، ۳۴۰ (جرایم تعزیری درجهٔ ۷ و ۸) و ۵۹۹ (جرم نظامی)، اختصاص داده شده است.

۲-۲. دادگاه اطفال و نوجوانان

دادگاه اطفال و نوجوانان از نهادهای قضایی نسبتاً اولیه در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان می‌باشد. مطابق مادهٔ ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه اطفال و نوجوانان به‌عنوان یک نهاد قضایی اختصاصی و مستقل در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، در کنار سایر دادگاه‌های کیفری، است. دادگاه اطفال و نوجوانان یک دادگاه اختصاصی است. زیرا اولاً، در مادهٔ ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری، این دادگاه در کنار دادگاه‌های دیگر مانند انقلاب و نظامی، به‌طور مستقل پیش‌بینی شده است و به دلالت مادهٔ ۳۰۴ صالح به رسیدگی به کلیهٔ جرایم اطفال و نوجوانان، به جز جرایم موضوع مادهٔ ۳۱۵ و جرایم نظامی موضوع مادهٔ ۵۹۹ این قانون می‌باشد. ثانیاً، در هیچ‌یک از مواد قانونی این دادگاه شعبه‌ای از دادگاه دیگر معرفی نشده است. ثالثاً، با توجه به تبصرهٔ مادهٔ ۲۹۸ این قانون چنانچه در حوزهٔ قضایی دادگاه اطفال و نوجوانان تشکیل شود دادگاه کیفری دو صالح به رسیدگی نیست و اینکه دادگاه اطفال و نوجوانان صلاحیت رسیدگی به جرایم اشخاص بالای ۱۸ سال را ندارد. در مقابل دیدگاه دیگری وجود دارد که با توجه به تبصرهٔ یک مادهٔ ۳۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، که بیان می‌دارد: «هر گاه شخصی متهم به ارتکاب جرایم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری دو یا اطفال و نوجوانان است به تمام جرایم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود»، این نظر در ذهن مطرح می‌شود که دادگاه اطفال و نوجوانان یک دادگاه اختصاصی نیست بلکه یک دادگاه عمومی تخصصی همراه با برخی ویژگی های ارفاق‌آمیز برای مرتکبین کمتر از ۱۸ سال می‌باشد (جوانمرد، ۱۳۹۴: ۵۵). لیکن این امر صحیح به نظر نمی‌رسد چراکه اساساً در فرض قائل شدن صلاحیت اضافی برای یک دادگاه دیگر در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در صورت تعدد جرم نمی‌توان قائل به اختصاصی نبودن دادگاه اطفال و نوجوانان شد.

بر اساس مادهٔ ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود و به دلالت تبصرهٔ مادهٔ ۲۹۸ و مادهٔ ۳۰۴ این قانون، در هر حوزهٔ

قضایی شهرستان یک یا چند دادگاه اطفال و نوجوانان بر حسب نیاز تشکیل می‌شود. این دادگاه به کلیهٔ جرایم اطفال و افراد کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی، به جز جرایم مشمول مادهٔ ۳۱۵ و جرایم نظامی موضوع مادهٔ ۵۹۹ این قانون رسیدگی می‌نماید و تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده به کلیهٔ جرایم اطفال و نوجوانان به جز جرایم مشمول مادهٔ ۳۱۵ این قانون در شعبهٔ دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود. بنابراین هرچند این دادگاه اختصاصی است لیکن صالح به رسیدگی به کلیهٔ جرایم اطفال و نوجوانان یعنی جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ (جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در موارد تعدد قاضی) ارتکابی توسط افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی نبوده و این جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان است.

لازم به ذکر است قانون‌گذار در مادهٔ ۴۰۹ این قانون برای قضات دادگاه اطفال و نوجوانان شرایطی را در نظر گرفته و بیان می‌دارد: «قضات دادگاه و دادسرای اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضائیه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بداند، انتخاب می‌کند».

۳-۲. دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان

قانون‌گذار ایران در مادهٔ ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه‌های کیفری را به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم کرده است. دادگاه کیفری یک، یکی از دادگاه‌های کیفری است که به دلالت مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، صلاحیت این دادگاه عبارتند از: الف) جرایم موجب مجازات سلب حیات، ب) جرایم موجب حبس ابد[1]، پ) جرایم موجب قطع عضو یا جنایت عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن، ت) جرایم موجب مجازات تعزیزی درجه سه و بالاتر، ث)

۱. البته، با توجه به تبصرهٔ ذیل مادهٔ ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که مقرر می‌دارد: «تمام حبس‌های ابد غیرحدی مقرر در قانون به حبس درجهٔ یک تبدیل می‌شود». باید گفت که بند «ب» مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری دربارهٔ حبس‌های ابد تعزیری هیچ کاربردی ندارد. چراکه به موجب مقررهٔ قانونی مزبور کلیهٔ حبس‌های ابد تعزیری منسوخ شده‌اند اما از حیث کاربرد آن در خصوص جرائم حدی (سرقت حدی) ابهام وجود دارد. با کمی تأمل می‌توان گفت که در قوانین موضوعهٔ ایران هیچ جرمی اعم از حدی و غیرحدی که «مجازات قانونی و اولیهٔ آن جرم»، حبس ابد باشد صرف‌نظر از کیفیات مخففه و مشددهٔ مرتکب جرم (مثلاً سرقت حدی در مرتبه سوم)، وجود ندارد.

جرایم سیاسی و مطبوعاتی. این دادگاه به دلالت مادهٔ ۲۹۶ این قانون، دارای یک رئیس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت می‌یابد و به‌موجب تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۲۹۶ در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوهٔ قضائیه در حوزهٔ شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرایم موضوع صلاحیت آن در نزدیک‌ترین دادگاه کیفری یک در حوزهٔ قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.

هرچند به جرایم اشخاص زیر ۱۸ سال در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌گردد، لیکن از نظر سن و نیز نوع جرم حسب مورد استثنائاتی وجود دارد که به جرایم این اشخاص در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی نشود؛ از جملهٔ آن پیش‌بینی دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان است که قانون‌گذار در مادهٔ ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری آن را وضع نموده است. این دادگاه از حیث تشکیلاتی یک دادگاه تخصصی است چرا که تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۳۱۵ بیان شده است: «تخصصی بودن این دادگاه مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن‌ها نیست». این دادگاه شعبه‌ای از دادگاه کیفری یک بوده و دارای یک رئیس و دو مستشار بوده و با دو عضو رسمیت می‌یابد و به دلالت تبصرهٔ ۲ مادهٔ ۳۱۵ حضور مشاور برای رسیدگی به جرایم نوجوانان الزامی است و این دادگاه به جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در موارد تعدد قاضی، اگر توسط افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی ارتکاب یابد، رسیدگی می‌کند. متهم در این دادگاه اصولاً از کلیهٔ امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.

۴-۲. دادگاه تجدیدنظر ویژهٔ جرایم اطفال و نوجوانان

قانون‌گذار ایران در جهت رسیدگی تخصصی به جرایم اطفال و نوجوانان به پیش‌بینی و تعیین شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان به‌عنوان مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان با ابلاغ رئیس قوهٔ قضائیه اقدام نموده است. مادهٔ ۴۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌دارد: «مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان که مطابق با شرایط مقرر در این قانون با ابلاغ رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد...».

لذا دادگاه تجدیدنظر ویژهٔ جرایم اطفال و نوجوانان نیز همانند دادسرای ویژهٔ نوجوانان موضوع مادهٔ ۲۸۵ و دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان موضوع مادهٔ ۳۱۵ این قانون، از حیث تشکیلاتی یک مرجع تخصصی است که به درخواست تجدیدنظرخواهی از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌نماید. البته تخصصی بودن این دادگاه، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به این شعبه نیست و همانند شعب دیگر دادگاه تجدیدنظر، به دلالت مادهٔ ۴۲۶ قانون

آیین دادرسی کیفری دارای رئیس و دو مستشار بوده و با دو عضو نیز رسمیت می‌یابد که نشان از پذیرش یک نوع نظام دادرسی افتراقی در رسیدگی به جرایم این اشخاص می‌باشد[1]؛ لیکن قانون‌گذار ایران در مادهٔ ۴۴۴ مرجع فرجام‌خواهی از آراء و تصمیمات محاکم دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان را در دیوان عالی کشور دانسته است. هرچند قانون‌گذار در این ماده از عنوان دادگاه کیفری ویژهٔ رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان استفاده نموده است لیکن به نظر می‌رسد در زمان اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری در مورخ ۹۴/۳/۲۴ قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون و در زمان تغییر نام این دادگاه به دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان، اگرچه در موارد دیگر این تغییر صورت گرفته، لیکن در این ماده سهواً اقدام به اصلاح این مقررهٔ قانونی ننموده است که باید اصلاح شود.

لازم به ذکر است که قانون‌گذار در خصوص اشخاص زیر ۱۸سال، برخلاف سایر اشخاص که ملاک جهت تعیین مرجع تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی را مجازات قانونی قرار داده است، دادگاه صادرکنندهٔ حکم را، صرف‌نظر از مجازات قانونی و قضایی جرم ملاک قرار داده و به دلالت مواد ۴۴۴ و ۴۴۵ کلیهٔ آراء صادره از این محاکم را قابل‌تجدیدنظرخواهی دانسته و مرجع اعتراض به آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان را دادگاه تجدیدنظر استان (در شعب اختصاص‌یافته) و مرجع اعتراض به آراء و تصمیمات دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان را در دیوان عالی کشور دانسته است و برخلاف دادگاه تجدیدنظر، قانون‌گذار اقدام به پیش‌بینی شعبه‌ای از دیوان عالی کشور از حیث تشکیلاتی به‌عنوان یک مرجع تخصصی و با صلاحیت اختصاصی به‌عنوان شعبهٔ خاص رسیدگی به اعتراض از آراء و تصمیمات ننموده است لیکن به دلالت مادهٔ ۵۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، امکان تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع قضایی برای رسیدگی تخصصی وجود دارد. قانون‌گذار در مادهٔ ۴۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری، برای قضات دادسرا و دادگاه اطفال و نوجوانان، ویژگی‌های خاصی پیش‌بینی نموده است که این امر به دلالت مواد ۴۰۲ و ۴۰۹ این قانون، برای قضات دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان و همچنین شعب دادگاه تجدیدنظر جهت رسیدگی به آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان، با توجه به نوع جرایم مورد رسیدگی در دادگاه کیفری یک که از جرایم مهم بوده و با توجه به فلسفهٔ تشکیل

۱. اندیشهٔ زیربنایی که پیش‌بینی اختصاص چنین شعبی را تشکیل می‌دهد آن است که قضات دادگاه تجدیدنظر نیز همان دیدگاه افتراقی نسبت به بزهکاری اطفال را داشته و با دیدگاهی صرفاً حقوقی آراء و تصمیمات اتخاذ شده توسط دادگاه‌های اطفال را مورد تجدیدنظر قرار ندهند (جمشیدی، ۱۳۸۲: ۸۸).

دادگاه‌های تخصصی، به طریق اولی باید مدنظر قرار گیرد.

۳. قاعدهٔ کلی در صلاحیت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان و استثنائات آن

۱-۳. قاعدهٔ کلی صلاحیت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان

قاعدهٔ کلی از لحاظ صلاحیت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بزهکار اعم از تحقیقات مقدماتی و رسیدگی بدین ترتیب است:

الف) چنانچه شخص نابالغ باشد، انجام تحقیقات مقدماتی و محاکمه توسط دادگاه اطفال و نوجوانان انجام می‌گیرد هرچند درخصوص مرجع صالح جهت انجام تحقیقات مقدماتی و محاکمه در جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ اختلاف‌نظر وجود دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

ب) چنانچه شخص بالغ باشد دو حالت متصور است:

۱. شخص مرتکب بالغ بین ۱۵ تا ۱۸ سال باشد:

۱-۱. اگر مرتکب جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ گردد، انجام تحقیقات مقدماتی آن اگر جزء جرایم منافی عفت باشد در دادگاه کیفری یک ویژهٔ نوجوانان و در سایر جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ در دادسرای ویژهٔ نوجوانان و انجام محاکمه در دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان به عمل می‌آید.

۲-۱. در غیر جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲، اگر جزء جرایم منافی عفت و جرایم تعزیری درجهٔ ۷ و ۸ باشد، دادگاه اطفال و نوجوانان مرجع صالح جهت انجام تحقیقات مقدماتی و محاکمه می‌باشد و در غیر جرایم اخیرالذکر انجام تحقیقات مقدماتی آن‌ها در دادسرای ویژهٔ نوجوانان و محاکمه در دادگاه اطفال و نوجوانان صورت می‌گیرد.

۲. شخص مرتکب بالغ زیر ۱۵ سال باشد، مثلاً دختر ۱۴ ساله:

۱-۲. اگر مرتکب جرایم غیر از موضوع مادهٔ ۳۰۲ گردد دادگاه اطفال و نوجوانان مرجع صالح جهت انجام تحقیقات مقدماتی و محاکمه می‌باشد.

۲-۲. اگر مرتکب جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ گردد، در این صورت انجام تحقیقات مقدماتی و محاکمه در دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان صورت می‌گیرد، هر چند در خصوص مرجع صالح جهت انجام تحقیقات مقدماتی در جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ که قابلیت طرح مستقیم در دادگاه کیفری یک را ندارد (به غیر از جرایم منافی عفت که به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک مطرح می‌گردد) اختلاف‌نظر وجود دارد که برخی آن را در صلاحیت دادگاه کیفری یک ویژهٔ نوجوانان و برخی آن را در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان می‌دانند که در ادامه به آن نیز می‌پردازیم.

۲-۳. استثنائات صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان

هرچند به دلالت مادهٔ ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه اطفال و نوجوانان صلاحیت رسیدگی به کلیهٔ جرایم ارتکابی از سوی اشخاص اطفال و نوجوانان را دارد. اما استثنائاتی نیز وجود دارد که عبارتند از:

۱. به جرایم نظامیان کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی که در صلاحیت سازمان قضایی است با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در دادسرا و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌گردد (مادهٔ ۵۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری) یعنی؛ در تعارض صلاحیت دادگاه‌های نظامی نسبت به دادگاه اطفال و نوجوانان در خصوص رسیدگی به جرایم ارتکابی توسط نظامیان کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی، قانون‌گذار اولویت را به صلاحیت دادگاه‌های نظامی داده است. این اقدام قانون‌گذار را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که بخشی از صلاحیت دادگاه نظامی یعنی جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی به‌موجب قانون اساسی به‌صورت مطلق اعم از اینکه مرتکب نوجوان باشد یا بزرگ‌سال به دادگاه نظامی محول شده است و قانون عادی نیز نمی‌تواند مغایر قانون اساسی حکمی وضع کند (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۲۴).

۲. به جرایم شخص روحانی که سن وی کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی باشد، در دادسرا و دادگاه ویژهٔ روحانیت رسیدگی می‌گردد (مادهٔ ۱۳ آیین‌نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژهٔ روحانیت اصلاحی ۱۳۸۴/۹/۲).

۳. چنانچه سن متهم قبل از شروع به رسیدگی از ۱۸ سال تمام شمسی تمام تجاوز کند هرچند شخص در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال بوده باشد، در این صورت رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد (تبصرهٔ ۲ مادهٔ ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری).

۴. چنانچه یکی از جرایم ارتکابی متهم بالغ زیر ۱۸ سال در صلاحیت دادگاه کیفری یک باشد، به همهٔ جرایم در دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان رسیدگی می‌گردد (تبصرهٔ ۲ مادهٔ ۳۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری).

۵. به دلالت مادهٔ ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری، جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌گردد، اگر توسط افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی ارتکاب یابد، در دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان رسیدگی می‌گردد.

۴. ابهامات تعیین صلاحیت رسیدگی به جرایم مادهٔ ۳۰۲ ارتکابی توسط اطفال و نوجوانان

قانون‌گذار ایران در آخرین ارادهٔ خود در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تحولات و

نوآوری‌های زیادی از حیث پیش‌بینی مراجع اختصاصی یا تخصصی، مقامات دخیل در امر تحقیق و دادرسی و شرایط و ویژگی‌های آنان، نحوه و چگونگی و ترتیب انجام تحقیقات مقدماتی و دادرسی پیش‌بینی و گامی اساسی در برقراری دادرسی افتراقی برداشته است؛ لیکن از حیث تقنینی جامع و کامل نبوده و گاه دارای ابهام، اجمال و سکوت بوده که این امر در برخی از موضوعات از جمله در قلمرو تعیین صلاحیت مراجع جهت انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی و صدور حکم پیرامون جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ارتکابی توسط اطفال و نوجوانان قابل توجه و بررسی است که باعث ایجاد سردرگمی و اختلاف سلیقه در رویهٔ قضایی می‌شود. ذیلاً به بررسی و تعیین تکلیف دو ابهام اساسی از حیث الف) مرجع صالح انجام تحقیقات مقدماتی جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ارتکابی توسط افراد بالغ زیر ۱۵ سال و ب) مرجع صالح رسیدگی به جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ارتکابی توسط افراد نابالغ به‌صورت جداگانه می‌پردازیم.

۱-۴. مرجع تحقیقات مقدماتی جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ ارتکابی توسط بالغ زیر ۱۵ سال

قانون‌گذار در تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته است: «تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر ۱۵ سال به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است انجام می‌دهد». مطابق مادهٔ ۳۱۵ این قانون، جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین، دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود، اگر توسط افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان، رسیدگی و متهم از کلیهٔ امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود بهره‌مند می‌گردد.

با توجه به اینکه به دلالت مادهٔ ۲۸۵ این قانون تحقیقات مقدماتی جرایم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی، به جز جرایم موضوع مواد ۳۰۶ (جرایم منافی عفت) و۳۴۰ (جرایم تعزیری درجهٔ ۷ و ۸) این قانون که مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب با عنوان دادسرای ویژهٔ نوجوانان انجام می‌شود لذا این سؤال به ذهن متبادر می‌شود چنانچه فرد بالغ زیر ۱۵ سال مرتکب یکی از جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ گردد، مرجع انجام تحقیقات مقدماتی دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان است یا دادگاه اطفال و نوجوانان، همین امر باعث اختلاف‌نظر و برداشت‌های گوناگون شده است.

به‌طور کلی، دربارهٔ این چالش و ابهام اساسی حقوقی و قضایی دو برداشت وجود دارد که ذیلاً به بیان آن به‌طور جداگانه خواهیم پرداخت.

دیدگاه اول: مرجع صالح جهت انجام تحقیقات مقدماتی، دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان می‌باشد. زیرا اولاً، به دلالت مادهٔ ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیقات مقدماتی افراد کمتر از ۱۵ سال به‌طور مستقیم بر عهدهٔ دادگاه گذاشته شده و اساساً هدف قانون‌گذار از وضع این ماده حذف دادسرا از انجام تحقیقات مقدماتی در جرایم افراد کمتر از ۱۵ سال می‌باشد و با توجه به نوع جرم، تحقیقات مقدماتی افراد کمتر از ۱۵ سال حسب مورد می‌توانند در دادگاه اطفال و نوجوانان یا دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان انجام گیرد و با توجه به نوع جرم (جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری) که در صلاحیت دادگاه کیفری یک است و اینکه قسمت اخیر مادهٔ ۳۱۵ قانون اخیرالذکر بیان می‌دارد: «... متهم در دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود بهره‌مند می‌گردد»، مستنداً به مواد مرقوم دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان، مرجع انجام تحقیقات مقدماتی و دادرسی آن هم به‌صورت مستقیم می‌باشد که نظریهٔ اکثریت قضات شهر خور استان فارس در نشست قضایی مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۵ منتشر شده در سامانهٔ نشست قضایی مؤید این استدلال است.[۱]

ثانیاً، مراد قانون‌گذار از دادگاه اطفال و نوجوانان، در مادهٔ ۲۸۵ فقط دادگاه اطفال و نوجوانان به معنی خاص نمی‌باشد بلکه دادگاهی است که به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌کند و بر حسب نوع اتهام ممکن است دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان یا دادگاه جانشین باشد چراکه دادرسی و محاکمهٔ جرایم اشخاص بالغ زیر ۱۵ سال، در جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌گردد و اگر قائل به این باشیم که تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه اطفال و نوجوانان انجام گیرد امکان صدور کیفرخواست و جانشینی از دادستان برای دادگاه اطفال و

۱. نظر اکثریت نشست قضایی چنین است: «با توجه به اینکه در تبصرهٔ یک مادهٔ ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال به طور مستقیم به‌عهده دادگاه قرار داده شده است بنابراین هدف، حذف دادسرا از انجام تحقیقات مقدماتی می‌باشد ولی با توجه به نوع جرم ارتکابی می‌تواند تحقیقات در دادگاه اطفال و نوجوانان یا دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان صورت گیرد که باتوجه به نوع جرم و اینکه رسیدگی در دادگاه کیفری یک با تعدد قاضی می‌باشد و مستنداً به ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری تحقیقات مقدماتی و رسیدگی مستقیماً با دادگاه کیفری یک می‌باشد که قسمت انتهایی ماده ۳۱۵ که بیان کرده متهم در دادگاه کیفری یک از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود بهره‌مند می‌گردد، مؤید این نظریه می باشد با این توضیح که رسیدگی مستقیم در دادگاه یکی از امتیازات می باشد تا رسیدگی به اتهام کودک دومرحله‌ای نباشد» (برگرفته از پایگاه اینترنتی: https://www.neshast.org تاریخ ملاحظه: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰).

نوجوانان در قانون پیش‌بینی نشده است و صلاحیت این دادگاه برای تحقیقات مقدماتی در جرایمی است که مستقیم به آن رسیدگی می‌کند و در رسیدگی مستقیم، صدور کیفرخواست معنا ندارد و از سویی رویهٔ جاری محاکم نیز نشان از صحت این دیدگاه می‌باشد (عابدی، ۱۳۹۸: ۴۳).[۱]

دیدگاه دوم: مرجع صالح جهت انجام تحقیقات مقدماتی دادگاه اطفال و نوجوانان می‌باشد. زیرا اولاً، تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری که بیان می‌دارد: «تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم افراد زیر ۱۵ سال به‌طور مستقیم به‌عهدهٔ دادگاه اطفال و نوجوانان می‌باشد» و اساساً دادگاه اطفال و نوجوانان به‌موجب نص صریح قانون وظایف دادسرا را بر عهده دارد که نظریهٔ اقلیت قضات شهر خور استان فارس در نشست قضایی مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۵ منتشر شده در سامانهٔ نشست قضایی مؤید این استدلال است.[۲]

ثانیاً، با توجه به اطلاق تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۲۸۵ تحقیقات مقدماتی باید در دادگاه اطفال و نوجوانان انجام گیرد و با توجه به اینکه این دادگاه کلیهٔ وظایف دادسرا را داراست با صدور کیفرخواست یا فقط با صدور قرار جلب به دادرسی پرونده را به دادگاه کیفری یک ویژهٔ نوجوانان ارسال نماید و اساساً مادهٔ ۳۱۵ و استفاده از عبارت «رسیدگی» در این ماده ظهور در مرحلهٔ دادگاه دارد و شامل مرحلهٔ تحقیقات مقدماتی نمی‌شود (عابدی، ۱۳۹۸: ۴۳).

به نظر نگارندگان استدلال دیدگاه اول، منطقی و موجه‌تر است. در تقویت این دیدگاه می‌توان گفت که این برداشت با روح حاکم بر قانون آیین دادرسی کیفری سازگاری بیشتری دارد و اساساً متن مادهٔ ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری که تشکیل دادسرای ویژهٔ نوجوانان را در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان پیش‌بینی کرده؛ لیکن این دادسرا در معیت دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به

۱. ازجمله پرونده به شمارهٔ بایگانی ۹۶۰۱۵۶ شعبه اول دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان استان مازندران نیز مؤید این استدلال است.

۲. نظر اقلیت نشست قضایی چنین است: «ب۱ توجه به اینکه در تبصرهٔ یک مادهٔ ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری تحقیقات مقدماتی کلیه جرائم افراد زیر پانزده سال را به طور مستقیم به‌عهده دادگاه قرار داده شده است لذا کار تحقیقات مقدماتی می‌بایست توسط دادگاه اطفال با یک نفر قاضی انجام شود و چون طبق ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی به جرائم افراد بالغ زیر هجده سال در دادگاه کیفری یک می‌باشد لذا رسیدگی به این اتهام برای صدور حکم می‌بایست در دادگاه کیفری یک انجام شود و به نظر می‌رسد دادگاه کیفری دو با توجه به قسمت انتهایی تبصره یک ماده ۲۸۵ که دارای وظایف دادسرا است می‌بایست پس از پایان تحقیقات با صدور قرار جلب به دادرسی پرونده را به دادگاه کیفری یک ارسال تا رأی مقتضی توسط این دادگاه صادر گردد» (برگرفته از پایگاه اینترنتی: https://www.neshast.org/ تاریخ ملاحظه: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰).

جرایم نوجوانان در جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ نیز می‌باشد و از سویی دیگر، تفسیر به نفع متهم نیز این دیدگاه را تقویت می‌کند از آن حیث که رسیدگی در دادگاه کیفری یک، به‌لحاظ اینکه با تعدد قاضی و با قضات باتجربه و صاحب‌نظر بهتر انجام می‌گیرد، و این با عدالت سازگارتر است. وانگهی، در صورت عدم صراحت قانون‌گذار و تردید بین دو نظر باید دیدگاهی را پذیرفت که بیشتر به نفع متهم می‌باشد و اساساً دیدگاه دوم هرچند با ظاهر مادهٔ ۲۸۵ سازگاری بیشتری دارد، لیکن امکان عملی آن وجود ندارد و بر حسب رویهٔ جاری محاکم پذیرفتنی نیست.

۲-۴. مرجع صالح رسیدگی به جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ ارتکابی توسط افراد نابالغ

قانون‌گذار در مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی به جرایم خاصی را در صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار داده و در مادهٔ ۳۱۵ این قانون، جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین، انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود چنانچه توسط فرد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان رسیدگی می‌شود. سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که اگر شخص نابالغی مرتکب یکی از جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ گردد مرجع صالح جهت شروع به تعقیب، تحقیق و محاکمه و صدور حکم کدام است؟ و همین امر باعث اختلاف‌نظر و برداشت‌های گوناگون گردیده است. به‌طور کلی، دربارهٔ این چالش و ابهام اساسی حقوقی و قضایی دو برداشت و دیدگاه وجود دارد که ذیلاً به بیان آن به‌طور جداگانه خواهیم پرداخت.

دیدگاه اول: طبق یک دیدگاه، دادگاه اطفال و نوجوانان مرجع صالح جهت رسیدگی به جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ ارتکابی توسط اشخاص نابالغ است. زیرا:

اولاً، به دلالت تبصرهٔ مادهٔ ۲۹۸ و مادهٔ ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری، اصل بر صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان است و اینکه در صورت عدم تشکیل این دادگاه اختصاصی، دادگاه کیفری دو آن شهرستان یا دادگاه جانشین، صلاحیت رسیدگی به کلیهٔ جرایم اطفال و نوجوانان، به جز جرایم مشمول مادهٔ ۳۱۵ این قانون، را دارد و اساساً با توجه به اطلاق مادهٔ ۳۰۴ قانون آین دادرسی کیفری بدون استثنا به کلیهٔ جرایم اطفال در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌گردد (ساولانی، ۲/۱۳۹۷: ۵۴ و مصدق، ۱۳۹۴: ۴۳۷).

ثانیاً، جرایم مشمول مادهٔ ۳۱۵ نیز به دلالت این ماده، جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ در صورتی که از سوی شخص بالغ زیر ۱۸ سال ارتکاب یابد می‌باشد؛ حال آنکه در فرض سؤال مرتکب جرم یک فرد نابالغ است و اساساً صلاحیت دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان در پی اصلاح ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ به روشنی منحصر به متهمان بالغ زیر هجده سال شده است. هدف از این

اصلاح خارج ساختن افراد نابالغ از صلاحیت دادگاه مذکور بوده و می‌توان نتیجه گرفت که از آنجا که این اشخاص اصولاً فاقد مسئولیت کیفری بوده و قابل‌مجازات نیستند[1] قانون‌گذار آن‌ها را در این دادگاه قابل‌محاکمه ندانسته و در نتیجه درمورد این افراد با توجه به عموم عبارت صدر مادهٔ ۳۰۴ باید قائل به صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان شد (خالقی، ۱۳۹۷: ۴۱۶ و ۴۱۷).

ثالثاً، ضرورت دقت در رسیدگی به جرایم اشخاص بالغ زیر هجده سال اقتضا می‌کند که پروندهٔ او در دادگاه کیفری یک مطرح شود اما این قضیه در خصوص اشخاص نابالغ منتفی است چراکه معمولاً این اشخاص مجازات نخواهند شد (مصدق، ۱۳۹۴: ۴۳۶ و ۴۳۷). اساساً مجازات جرایم ارتکابی از سوی اشخاص نابالغ مشمول مجازات‌های مقرر در مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری نمی‌گردد که دادنامهٔ شمارهٔ ۹۵۰۹۹۷۲۰۶۳۱۰۰۰۳۴ مورخ ۹۵/۴/۵ شعبهٔ اول دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان استان مازندران و دادنامهٔ شمارهٔ ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۷۱۰۰۸۶۶ مورخ ۹۵/۵/۶ شعبهٔ یازدهم دیوان عالی کشور مؤید این دیدگاه می‌باشد. همچنین، نظریهٔ اکثریت قضات شهر قروهٔ استان کردستان با کد نشست ۶۴۹۰ - ۱۳۹۸ مورخ ۹۷/۹/۱۵ نیز مؤید این استدلال است.[2]

رابعاً، نظر به اینکه مواد ۱۴۶ و ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که ملاک مسئولیت را بلوغ دانسته و نابالغ را فاقد مسئولیت کیفری می‌داند و برابر مواد مذکور اقدامات تأمینی نسبت به نابالغ اعمال می‌شود و برابر تبصرهٔ ۲ و بندهای «ت» و «ث» مادهٔ ۸۸ قانون فوق‌الذکر و مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی به اتهامات انتسابی مذکور در مادهٔ اخیرالذکر نسبت به نابالغ در صلاحیت دادگاه کیفری یک نبوده و در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در صورت عدم تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان در صلاحیت محاکم کیفری دو شهرستان می‌باشد که دادنامهٔ شمارهٔ ۹۶۰۹۹۷۱۲۱۲۰۰۰۱۳۵ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۰۵ شعبهٔ پنجم کیفری یک (مستقر در)

۱. کودکی که کمتر از ۹ سال سن دارد، نمی‌تواند موضوع هیچ گونه تصمیمی در نظام عدالت کیفری حتی تصمیمات اصلاحی و مراقبتی قرار گیرد. به بیان دیگر، قابل محاکمهٔ کیفری نیست (ابوذری، ۱۳۹۸: ۱۵).

۲. نظریهٔ اکثریت نشست قضایی چنین است: «دادگاه کیفری دو (دادگاه اطفال و نوجوانان در صورت عدم تشکیل دادگاه کیفری دو) صالح به رسیدگی است از آنجائی که مرتکب در هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۵ سال بوده لذا مجازات وی مشمول مجازات‌های مورد اشاره در ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری نمی‌باشد» (برگرفته از پایگاه اینترنتی: https://www.neshast.org تاریخ ملاحظه: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰).

شهرستان آمل[1] مؤید این استدلال است.

خامساً، نظر به اینکه به دلالت مادهٔ ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به جرایم اطفال مستقیماً در دادگاه اطفال و نوجوانان صورت می‌گیرد و با توجه به ملاک مادهٔ ۳۰۲ قانون مذکور که صلاحیت محاکم کیفری یک را احصا کرده و اطفال نیز از مسئولیت کیفری مبرا بوده و عمد طفل یا نابالغ نیز در حکم خطای محض بوده و لذا رسیدگی به جرایم اشخاص نابالغ در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در صورت عدم تشکیل آن در صلاحیت دادگاه کیفری دو شهرستان محل وقوع جرم خواهد بود که دادنامهٔ شمارهٔ ۹۶۰۹۹۷۱۵۱۵۵۰۰۷۱۲ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۵ شعبهٔ دوم دادگاه تجدیدنظراستان مازندران مؤید این استدلال است.

سادساً، صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان در رسیدگی به جرایم اطفال و اشخاص کمتر از هجده سال صلاحیت شخصی است و در این نوع صلاحیت موضوع اتهام تعیین‌کنندهٔ صلاحیت ذاتی نبوده بلکه صلاحیت ذاتی بر پایهٔ شخصیت متهم تعیین می‌گردد (خالقی، ۲/۱۳۹۴: ۲۷).

دیدگاه دوم: دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان و در صورت عدم تشکیل، دادگاه کیفری یک مرجع صالح جهت رسیدگی به جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ ارتکابی توسط اشخاص نابالغ می‌باشد. زیرا

اولاً، رسیدگی به جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ با توجه به نوع جرم و شدت مجازات آن، به استناد همین ماده در صلاحیت دادگاه کیفری یک است که به دادنامهٔ شمارهٔ ۹۵۰۹۹۷۱۵۹۵۷۰۰۰۷۶ مورخ ۹۵/۱/۲۸ شعبهٔ ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان نکا و همچنین، دادنامهٔ شمارهٔ ۹۶۰۹۹۷۱۵۹۵۸۰۱۰۳۸ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۱۱ شعبهٔ ۱۰۲ دادگاه کیفری دو نکا مؤید این دیدگاه است.

ثانیاً، با توجه به اهمیت جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ به‌لحاظ نوع و شدت مجازات قانونی جرم و لزوم اعمال دقت بیشتر از حیث آثار اجتماعی آن، رسیدگی در دادگاه کیفری یک با تعدد قاضی و با قضات با تجربه و صاحب‌نظر و به‌ویژه فلسفهٔ تشکیل دادگاه کیفری یک و وضع مادهٔ ۳۱۵ به‌جهت اهمیت جرم ارتکابی، رسیدگی در این دادگاه را توجیه می‌نماید که نظریهٔ اقلیت قضات شهر قروهٔ استان کردستان با کد نشست ۶۴۹۰-۱۳۹۸ مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۵ مؤید این استدلال است.[2]

۱. اگرچه عنوان این دادگاه در عمل شعبهٔ ۵ کیفری یک استان مازندران مستقر در آمل است، ولی قانوناً طبق مادهٔ ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری عنوان قانونی و صحیح آن، «دادگاه کیفری یک شهرستان آمل» باید باشد.

۲. نظریهٔ اقلیت نشست قضایی چنین است: «دادگاه کیفری یک صالح رسیدگی است: از آنجائیکه جرائم موضوع ←

ثالثاً، با توجه به تقسیم‌بندی محاکم کیفری به کیفری یک و دو و تعیین صلاحیت آن‌ها در راستای مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری قابل‌سنجش بوده است. بنابراین رسیدگی به جرایم موجب سلب حیات در صلاحیت ذاتی محاکم کیفری یک بوده که رسیدگی به آن با تعدد قاضی و با تشریفات خاص می‌باشد که دادنامهٔ شمارهٔ ۹۶۰۹۹۷۱۲۱۱۱۰۰۶۶۰ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۱۲ شعبهٔ ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان آمل مؤید این استدلال است.

رابعاً، ملاک صلاحیت هر یک از دادگاه‌های کیفری یک و دو مجازات قانونی آن جرم ارتکابی بدون در نظر گرفتن خصوصیت و وضعیت خاص شخص متهم می‌باشد و مبرا بودن افراد نابالغ از مسئولیت کیفری به دلالت مادهٔ ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به معنی عدم صلاحیت دادگاه کیفری یک نمی‌باشد چراکه با توجه به مادهٔ ۳۰۴ و ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصرهٔ ۱ مادهٔ ۳۱۴ آن و اینکه ادعای قتل عمدی توسط اولیا دم مقتول مستلزم احراز بلوغ یا عدم بلوغ و رشد یا عدم رشد عقلی و حرمت یا ماهیت جرم ارتکابی متهم، موضوع مادهٔ ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره آن و اینکه صرف سن شناسنامه‌ای نمی‌تواند بلوغ یا عدم بلوغ و سن واقعی را به طور مطلق اثبات کند و نیز اهمیت جرم قتل عمدی که مجازات قصاص نفس را در صورت وجود شرایط و ادلهٔ اثباتی در پی دارد و به‌منظور احتیاط در جرایم مهم موضوع مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دارسی کیفری به صرف این استدلال که عمد صبی خطا محسوب می‌گردد و به‌ویژه به نوع واکنش اجتماعی تعزیری و تأدیبی اطفال نابالغ نمی‌توان محاکم کیفری دو و سپس محاکم تجدیدنظر را در این قبیل جرایم صالح به رسیدگی دانست. زیرا احتمال اشتباه در تشخیص بلوغ و رشد کمال عقلی و قصاص نفس و یا سقوط آن ایجاب می‌کند که موضوع در محاکم کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان مورد رسیدگی تخصصی قرار گیرد که دادنامهٔ شمارهٔ ۹۷۰۹۹۷۰۹۲۵۱۰۰۹۶۳ مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۰۲ شعبهٔ سی و ششم دیوان‌عالی کشور مؤید این استدلال است.

به نظر نگارندگان استدلال دیدگاه اول، منطقی‌تر است. در تقویت این دیدگاه می‌توان گفت که این دیدگاه با روح حاکم بر قانون آیین دادرسی کیفری سازگاری بیشتری دارد و قابلیت دفاع بیشتری

ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری از اهمیت خاصی برخوردار است هر چند که نابالغ دارای مجازات نباشد و اقدامات تأمینی و تربیتی مطابق ماده ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی بر روی وی صورت می گیرد ولی با توجه به فلسفه وضع ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری و به جهت اهمیت جرم ارتکابی، لذا دادگاه کیفری یک صالح به رسیدگی می باشد» (برگرفته از پایگاه اینترنتی: https://www.neshast.org/ تاریخ ملاحظه: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰).

دارد؛ هرچند دیدگاه دوم نیز قابل‌تأمل است.

۳-۴. صلاحیت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در حوزهٔ قضایی بخش

یکی از ابهامات دیگر پیرامون تعیین مرجع صلاحیت‌دار رسیدگی به جرایم ارتکابی توسط اطفال و نوجوانان، مسئلهٔ جرایم ارتکابی از سوی آنان در حوزهٔ قضایی بخش در موراد خاص می‌باشد. نخستین ابهام در این خصوص مربوط به شرط ایجاد صلاحیت دادگاه بخش در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان می‌باشد که شاید در یک نگاه بتوان چنین اظهار نمود که طبق قاعده، چنانچه در حوزهٔ قضایی بخش، طفل یا نوجوانی مرتکب جرم شود، رسیدگی به جرایم این اشخاص نیز به‌موجب مواد ۲۹۸ و ۲۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری، در دادگاه بخش انجام می‌گیرد چراکه به دلالت تبصرهٔ مادهٔ ۲۹۸ چنانچه در محل وقوع جرم، دادگاه اطفال و نوجوانان تشکیل نشده باشد به جرایم اطفال و نوجوانان، به جز جرایم موضوع مادهٔ ۳۱۵، در دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود و بر اساس مادهٔ ۲۹۹ این قانون در حوزهٔ قضایی بخش دادگاه عمومی بخش تشکیل و به تمامی جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌نماید اعم از اینکه دادگاه اطفال و نوجوانان در حوزهٔ قضایی شهرستان تشکیل شده و یا نشده باشد. در تأیید این نظر، اداره کل حقوقی قوهٔ قضائیه نیز در نظریهٔ مشورتی شمارهٔ ۷/۹۴/۳۳۵۳ مورخ ۹۴/۱۲/۲ چنین بیان داشته است: «با توجه به تبصره ماده ۲۹۸ و ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی و لحاظ اینکه دادگاه اطفال و نوجوانان در حوزه قضایی بخش تشکیل نمی‌گردد و دادگاه عمومی بخش صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری دو را دارا می‌باشد. بنابراین با در نظر گرفتن اینکه مطابق ماده ۳۱۰ قانون فوق‌الذکر، اصولاً متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شده‌است در نتیجه دادگاه عمومی بخش صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم اطفال و نوجوانان را که در صلاحیت دادگاه کیفری دو است دارا می‌باشد، بدیهی است که درخصوص سایر جرایم اطفال و نوجوانان مطابق ماده ۳۱۵ این قانون رفتار خواهد شد» (شاه حیدری‌پور و رفیعی، ۱۳۹۶: ۱۳۱).

اما در مقابل برداشت دیگری نیز وجود دارد بدین شرح که بر اساس مادهٔ ۲۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری، در حوزهٔ قضایی بخش دادگاه عمومی بخش تشکیل و به تمامی جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌نماید و با توجه به امکان تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان در هر حوزهٔ قضایی شهرستان، تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوان در محلی تشکیل نشده است، در حوزهٔ قضایی بخش، به جرایم این اشخاص به جز جرایم موضوع مادهٔ ۳۱۵، در دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود که مصداق عبارت دادگاهی که وظایف

آن را انجام می‌دهد، در این تبصره، دادگاه بخش است (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۹۳).

به نظر نگارندگان برداشت اول، با روح حاکم بر قانون آیین دادرسی کیفری سازگاری بیشتری دارد و تفسیر به نفع متهم نیز این دیدگاه را تقویت می‌کند، لیکن برداشت دوم نیز قابل‌تأمل است. البته، در دادگاهی که به‌عنوان دادگاه جانشین دادگاه اطفال و نوجوانان اقدام می‌نماید، مثل دادگاه بخش یا دادگاه کیفری دو شهرستان، متهم اصولاً از امتیازاتی که به‌موجب قانون دارد باید برخوردار باشد.

به‌طور کلی، درخصوص صلاحیت دادگاه بخش در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان با عنایت به مراتب فوق‌الذکر می‌توان گفت:

الف) اگر مرتکب جرم شخص نابالغ باشد: به دلالت تبصرهٔ مادهٔ ۲۹۸ و مادهٔ ۲۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه بخش صلاحیت انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی را دارد و تمام مراحل دادرسی ازجمله محاکمه در این دادگاه انجام می‌گیرد.

ب) اگر مرتکب جرم افراد بالغ ۱۵ تا ۱۸ سال باشد:

۱) جرایم مشمول مجازات مقرر در مادهٔ ۳۰۲ (به جز جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۶ «جرایم منافی عفت»): دادگاه عمومی بخش به جانشینی از بازپرس تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهد و در صورت صدور قرار جلب به دادرسی پرونده را برای اظهارنظر نزد دادستان شهرستان مربوط ارسال و در صورت موافقت دادستان از سوی دادستان کیفرخواست صادر و برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان ارسال می‌گردد.[1] لازم به ذکر است جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۶ مستوجب مجازات مقرر در مادهٔ ۳۰۲ به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان مطرح و در آن دادگاه تمام مراحل دادرسی کیفری انجام می‌گیرد.

۲) سایر جرایم: در دادگاه عمومی بخش تمام مراحل دادرسی کیفری در این دادگاه انجام می‌گیرد با این قید که بدون آنکه نیازی به صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست باشد.

پ) اگر مرتکب بالغ زیر ۱۵ سال باشد:

۱) چنانچه مرتکب جرایمی که مستوجب مجازات مقرر در مادهٔ ۳۰۲ است، نگردد؛ دادگاه بخش صلاحیت رسیدگی به همهٔ جرایم حتی جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب را به جانشینی از دادگاه اطفال و نوجوانان را دارد.

۱. مواد ۳۱۵ و ۳۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری

۲) چنانچه مرتکب جرایمی که مستوجب مجازات مقرر در مادهٔ ۳۰۲ است، گردد؛ حتی در جرایم صلاحیتی دادگاه انقلاب، دادگاه بخش صلاحیت رسیدگی ندارد و باید قرار عدم صلاحیت به اعتبار صلاحیت دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان صادر نماید چراکه دادگاه بخش صلاحیت انجام تحقیقات مقدماتی و محاکمه را ندارد.

نتیجه

قانون‌گذار ایران به‌منظور حمایت و بازپروری اطفال و نوجوانان بزهکار و در راستای هم‌سویی با اسناد بین‌المللی، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، اقدام به وضع یک نظام دادرسی افتراقی ازجمله ایجاد ساختار، تشکیلات و مراجع قضایی خاص در رسیدگی به جرایم آنان نموده است. به‌طور کلی، این مراجع خاص با توجه به نوع جرم و میزان مجازات آن و نیز سن مرتکب جرم، شامل الف) دادسرای ویژهٔ نوجوانان (جهت انجام تحقیقات مقدماتی جرایم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال به جز جرایم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) و (۵۹۹) این قانون)؛ ب) دادگاه اطفال و نوجوانان (جهت انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به کلیهٔ جرایم اطفال و افراد کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی، به جز جرایم مشمول ماده ۳۱۵ و ۵۹۹)؛ پ) دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان (جهت رسیدگی به جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در موارد تعدد قاضی، ارتکابی توسط افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی)؛ ت) شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان (جهت رسیدگی به اعتراض از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان) می‌شود.

هرچند طبق قاعدهٔ کلی، صلاحیت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بزهکار اعم از تحقیقات مقدماتی و رسیدگی و صدور حکم با مراجع خاص فوق‌الذکر حسب مورد می‌باشد اما استثنائاً در موارد خاص صلاحیت رسیدگی به جرایم این افراد با دادگاه اطفال و نوجوانان و یا مراجع دیگر فوق‌الذکر نیست، که در صلاحیت مراجع دیگر یعنی: الف) دادسراها و دادگاه‌های نظامی (جرایم نظامیان کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی)؛ ب) دادسراها و دادگاه‌های ویژهٔ روحانیت (جرایم روحانیون کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی)؛ پ) دادگاه کیفری صالح (چنانچه سن متهم قبل از شروع به رسیدگی از ۱۸ سال تمام شمسی تمام تجاوز کند)؛ ت) دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان (جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب که با تعدد قاضی رسیدگی می‌گردد، اگر توسط افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی ارتکاب یابد) می‌باشد. با وجود این، دو ابهام اساسی در تعیین صلاحیت مراجع انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی پیرامون جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ارتکابی توسط اطفال و نوجوانان وجود دارد:

الف) درخصوص مرجع صالح انجام تحقیقات مقدماتی جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ارتکابی توسط افراد بالغ زیر ۱۵ سال اختلاف‌نظر وجود دارد که به اعتقاد برخی، دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان و به اعتقاد برخی دیگر، دادگاه اطفال و نوجوانان صالح است. اما به اعتقاد نگارندگان، دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان صالح است که دلایل آن فوقاً در متن بیان شده است.

ب) درخصوص مرجع صالح انجام رسیدگی به جرایم موضوع مادهٔ ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ارتکابی توسط افراد نابالغ نیز اختلاف‌نظر وجود دارد که به اعتقاد برخی، دادگاه اطفال و نوجوانان و به اعتقاد برخی دیگر، دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان صالح به رسیدگی است. اما به اعتقاد نگارندگان، دادگاه اطفال و نوجوانان صالح است که دلایل آن نیز فوقاً در متن بیان شده است.

علاوه بر آن، یکی دیگر از ابهامات پیرامون تعیین مرجع صلاحیت‌دار نسبت به جرایم ارتکابی توسط اطفال و نوجوانان، جرایم ارتکابی آنان در حوزهٔ قضایی بخش در موراد خاص است. طبق قاعده، چنانچه در حوزهٔ قضایی بخش، طفل یا نوجوانی مرتکب جرم شود، رسیدگی به جرایم این افراد نیز به‌موجب مواد ۲۹۸ و ۲۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری در دادگاه بخش انجام می‌گیرد مگر در موارد خاص که تحقیقات مقدماتی و یا رسیدگی با دادگاه عمومی بخش نیست.

در پایان، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار با الحاق چند تبصره یا ماده در متون قانونی، صراحتاً به‌نحو ذیل پیش‌بینی نماید:

۱) مرجع صالح انجام تحقیقات مقدماتی جرایم عمومی و انقلاب مستوجب مجازات‌های مقرر در مادهٔ ۳۰۲، توسط افراد بالغ زیر ۱۵ سال، دادگاه کیفری یک ویژهٔ رسیدگی به جرایم نوجوانان می‌باشد.

۲) مرجع صالح انجام تحقیقات مقدماتی جرایم مشمول مادهٔ ۳۰۲ اعم از عمومی یا انقلاب، ارتکابی توسط اطفال (یعنی افراد نابالغ که عموماً و غالباً زیر ۱۵ سال سن دارند)، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌باشد.

با توجه به ارجاع مادهٔ ۵۹۹ به مقررات دادرسی اطفال، تحقیقات مقدماتی جرایم نظامی افراد نظامی کمتر از ۱۵ سال هم مستقیم در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.

منابع

فارسی

- ابوذری، مهرنوش (۱۳۹۸)، «نگرش فازی در حوزهٔ سن مسئولیت کیفری»، **مجلهٔ حقوقی دادگستری**، دورهٔ ۸۳، شمارهٔ ۱۰۸.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ سی و سوم، تهران: نشر میزان.
- الهام، غلامحسین و محسن برهانی (۱۳۹۴)، **درآمدی بر حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ایرانی ارباطی، بابک (۱۳۸۴)، **مجموعه نظرهای مشورتی جزایی**، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ دهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۸۲)، «گفتمان سیاست جنایی در لایحه قضایی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوان»، **مجلهٔ حقوقی دادگستری**، شمارهٔ ۴۵.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۴)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- خالقی، علی (۱۳۹۴)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ بیست و هفتم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۷)، **نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری**، چاپ دوازدهم، تهران،: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۳)، **تحریرالوسیله**، ترجمه: علی اسلامی، جلد سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ساولانی، اسماعیل (۱۳۹۷)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران: مؤسسه مشاهیر دادآفرین.
- شاه حیدری‌پور، محمدعلی و احمد رفیعی (۱۳۹۶)، **قانون آیین دادرسی کیفری و نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه**، چاپ دوم، تهران: روزنامه رسمی کشور.
- صفایی، سیدحسین و سیدمرتضی قاسم‌زاده (۱۳۸۱)، **حقوق مدنی (اشخاص و محجورین)**، چاپ هفتم، تهران: سمت.
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۶)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد سوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- عابدی، احمدرضا (۱۳۹۸)، **آیین دادرسی کیفری**، چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- عمید، حسن (۱۳۷۸)، **فرهنگ عمید**، سه جلدی، چاپ ششم، تهران: چاپخانه سپهر.
- مرعشی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۶)، **دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام**، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- مصدق، محمد (۱۳۹۴)، **آیین دادرسی کیفری**، چاپ ششم، تهران: انتشارات جنگل.
- معاونت حقوقی قوه قضائیه (۱۳۹۷)، **مجموعه تنقیح شده اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق اطفال و نوجوانان**، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، **فرهنگ فارسی**، جلد سوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات زرین.